

بررسی رابطه جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم

محمد احسان همتی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد قم

نام نویسنده مسئول:

محمد احسان همتی

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم می باشد این پژوهش از نظر هدف کاربردی از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد با توجه به موضوع پژوهش که بررسی رابطه جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم می باشد در واقع به دنبال روابط متغیر ها می باشد. چون به ارزیابی شرایط کار، موقعیت پدیده، روش های کار، عقاید و اطلاعات جمعیت شناسانه بپردازد. پژوهش به صورت توصیفی می باشد جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان دلفان برابر با ۱۳۱۲ نفر می باشد که در سال ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل هستند که بر طبق آمار بدست آمده از معاونت آموزشی انتخاب شده اند تعداد نمونه براساس جدول کرجسی- مورگان (تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه) صورت گرفته که تعداد ۲۹۸ نفر به روش نمونه گیری تصادفی- طبقه ای بر حسب جنسیت انتخاب خواهند شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (نمودار، فراوانی، درصد فراوانی)، آمار استنباطی (آزمون کولموگروف اسمیرنف، آزمون T دو گروه مستقل، ماتریس همبستگی و آزمون رگرسیون) استفاده شد. در این تحقیق از سه پرسشنامه استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد مقدار سطح مولفه های (Sig=۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ بنابراین رابطه ها بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده جامعه پذیری (۰/۷۷-)، قانون مداری (۰/۵۵-) می باشد بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش جامعه پذیری، قانون مداری، کاهش جرائم را دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس.

واژگان کلیدی: جامعه پذیری، قانون مداری، جرائم

مقدمه

خسارات جانی و مالی فراوانی که از پدیده ضداجتماعی به بار می آید دولت ها را از همان ابتدا وادار به مبارزه با این پدیده کرده است. درباره ضرورت مبارزه، به هیچ وجه اختلافی بین دانشمندان و صاحب نظران نیست و چنانچه اختلافی باشد درباره شیوه های مبارزه است؛ اینکه آیا باید راه مبارزه را منحصر به مجازات نمود یا آنکه راه های دیگری هم در نظر گرفت. برای مبارزه اساسی با پدیده ضداجتماعی باید با علل آن به مبارزه برخاست نه با معلول. قرن هاست که دولت ها راه مبارزه را محدود و منحصر به برقراری و تشدید مجازات نموده اند. این سیاست کیفی نه تنها از میزان بزه نکاسته، بلکه تعداد آنها روز به روز قوس صعودی پیموده است. از سوی دیگر، همان گونه که در بیماری های جسمی، پیشگیری به درمان ترجیح دارد، در بیماری های روحی و روانی نیز بهتر است پیش از آنکه فرد دچار اختلال گردد به فکر پیشگیری بود. در خصوص بزهکاری و جرم نوجوانان دو مسئله اهمیت دارد: اول اینکه چه عواملی آنان را به سوی جرم سوق می دهد و دوم اینکه چگونه باید شخص مبتلا را درمان نمود تا به تدریج از میزان جرم کاسته شود. مطالعات بسیاری توسط ویکس، دوئرا و رینک، روی مشاغل خانوادگی، وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، وضعیت درس نوجوان در مدرسه و نیز طرز رفتار نوجوان و والدین در خانواده به عمل آمد. همچنین انجام تست های هوش و شخصیت و تمایلات تا میزان ۴۵ درصد برای تشخیص نوجوانان مجرم با موفقیت همراه بوده است. به عقیده کرو برای جلوگیری از جرم باید چهار اصل را رعایت نمود: ۱. حق داشتن فرزند و تعداد آنها باید نسبت مستقیم باتوانایی های جسمی، روانی، اقتصادی و عاطفی والدین داشته باشد. ۲. باید طرحی برای آموزش پدران و مادران امروز و فردا تهیه و اجرا گردد. ۳. مؤسساتی برای کمک و سرگرم کردن نوجوانان و انجام کارهای سودمند برای آنان دایر گردد. ۴. از توسعه و تراکم جمعیت در محله های فقیرنشین تا آنجا که امکان دارد جلوگیری به عمل آید.

اجتماعی شدن جریانی است که طی آن انسان ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و الگوهای فرهنگی جامعه یا گروه خود را می آموزد و آنها را به عنوان جزئی از نظام رفتاری خویش می پذیرد. انسان برای اینکه با افراد دیگر جامعه خود ارتباط برقرار کند و بتواند در آن جامعه زندگی کند باید ایفای نقش های گوناگون اجتماع را فراگیرد. این فرآیند از طریق منش متقابل با دیگران صورت می گیرد.

ساموئل کینگ، اجتماعی شدن را آن کیفیتی می داند که بر اثر آن انسان بدل به عضو فعال جامعه ای می شود که در آن به دنیا آمده است. به طور کلی جامعه شناسان اصطلاح جامعه پذیری را در وصف فراگردی به کار می برند که مردم از طریق آن خو گرفتن با هنجارهای اجتماعی را می آموزند و دوام جامعه و انتقال آن را از نسلی به نسل دیگر امکان پذیر می سازند (نیازی، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

جامعه پذیری فرایندی است که به دنبال آموزش های عام اعم از آموزش رسمی و غیر رسمی به افراد به دست آمده و موجب قوانین رفتاری هر جامعه و همه انتظارات فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع می گردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حک می کند (دفلور و دنیس، ۱۳۸۳: ۶۳۷). خانواده اولین گروه اجتماعی است که فرد بدان ملحق می شود و اولین کارگزار جامعه پذیری در زندگی کودک است. کودک زبان را در خانواده می آموزد، ارزش ها و قواعد اخلاقی را یاد گرفته و روابط اجتماعی با دیگران را می آموزد (شارع پور، ۱۳۸۷: ۳۱۶) اما از آنجا که نظام های خانواده بسیار متفاوت هستند، دامنه ی تماس هایی که کودک تجربه می کند به هیچ وجه در فرهنگ های مختلف یکسان نیست و ماهیت روابطی که میان مادران و کودکان شان برقرار می شود تحت تأثیر شکل و نظم و ترتیب تماس آن ها قرار می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۰۴). خانواده را می توان مانند فیلتری دانست که عقاید، ارزش ها و نگرش های مربوط به فرهنگ جامعه را به شیوه ی بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد (شارع پور، ۱۳۸۷).

گروه همسالان یکی دیگر از عوامل اجتماعی شدن است. گروه های همالان گروه های دوستی همسن هستند و کودک از طریق عضویت در این گروه ها زمینه ی کنش متقابل متفاوتی را درک می کند که در آن می تواند قواعد رفتار را مورد آزمون و کاوش قرار دهد. مدرسه نیز آینده ی ارزش های حاکم بر جامعه و به تعبیری منعکس کننده ی ساختار ارزش های آن است و یکی دیگر از عوامل اجتماعی شدن

است (سیدی، ۱۳۹۲: ۹ و ۸). رسانه‌های همگانی و یا وسایل ارتباط جمعی هم از دیگر عوامل اجتماعی شدن است. رسانه‌ها در زندگی روزمره‌ی ما نفوذ می‌کنند و محیطی را به وجود می‌آورند که در آن هویت‌ها شکل می‌گیرند. تجربه‌ی شخصی با تجربه‌ی رسانه‌ها ترکیب می‌شود و ما زندگی فردی خود را تحت نفوذ هدایت‌کننده نهادهای قدرتمند بنا می‌کنیم. رسانه‌ها زندگی شخصی و فعالیت‌های عمومی را به یکدیگر پیوند می‌زنند و آگاهی ما را شکل می‌دهند (اخترشهر، ۱۳۹۰).

«قانون» واژه‌ای عربی و به معنای «اصل» است، اما عده‌ای می‌گویند: «قانون» معرب کانون (canon) یونانی بوده و عربی نیست، اما در عربی به کار رفته است. قانون امری است کلی که بر همه جزئیات منطبق می‌گردد و احکام جزئیات از آن شناخته می‌شوند. این واژه به معنای قاعده، رسم و دستور نیز آمده است.

قانون در اصطلاح هر علمی معنایی ویژه دارد؛ همانند قوانین طبیعی، قوانین ریاضی، قوانین فلسفی و قوانین فیزیکی که هر یک به گونه‌ای خاص تعریف شده‌اند. قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند؛ به این معنا که انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، باید چنین کنند و چنان نکنند. به تعبیر دیگر، قانون یعنی تعیین مرزهای مجاز هر کس و وسیله داوری درباره کسانی که این مرزها را زیر پا می‌گذارند.

مقصود از قانون مداری حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می‌باشد. بنابراین، جامعه‌ای قانون مدار و قانونگرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شوند و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی و رهبران آن قانون پذیرترین افراد در جامعه باشند. قانون مداری در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدین معناست که آن حضرت قوانین الهی را، که خودآورنده آن از جانب خداوند می‌باشد، عادلانه اجرا نموده، حقوق همگان را در سایه حاکمیت قانون الهی رعایت کرده و خود قانونمندترین انسان‌ها بوده است. در جامعه آرمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه پایه گذاری کرد، همه افراد در برابر قانون یکسان بودند و در آن تبعیض نژادی، قومی و قانون شکنی وجود نداشت.

قانون پیوند دهنده لایه‌های گوناگون جامعه است، از این رو، نقش و جایگاه مهمی در جامعه دارد. کارکرد اصلی قانون تنظیم رفتار اعضای یک جامعه است که به طور طبیعی، دچار تعارضند. نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی، تعیین حد و مرزها، از بین بردن زمینه‌های اختلاف، دفع تجاوز متجاوزان، داوری میان انسان‌ها، نشان دادن راه تعالی و کمال، ایجاد نظم، برقراری عدالت و فراهم نمودن زمینه‌های تکامل انسان است. بنابراین، علاوه بر نظم بخشیدن به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و امکان پذیر ساختن اصلاحات اجتماعی، یکی از اهداف بسیار مهم قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی این است که جهت تکامل حرکت انسانی و مسیر تحولات اجتماعی را مشخص می‌سازد. تأمین این منظور با قوانین عادی و بشری امکان پذیر نیست و تنها به وسیله قانون آسمانی و الهی امکان پذیر است، که نمونه اتم و اکمل آن، قوانین حیات بخش اسلام است که از سوی خداوند به وسیله رسول گرامی صلی الله علیه و آله به بشر عرضه شده است.

عوامل مؤثر در بروز جرم ۱. عوامل زیستی: تأثیر زیست شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی و هوش والدین و اجداد انسان از دیرزمان موضوع مطالعه روان شناسان و علمای اخلاق بوده است. این موضوع تحت عنوان «وراثت عقلی و اخلاقی» مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو یکی از پیشگامان این نظریه می‌باشد. این دانشمند با آزمایش‌های متعدد و مطالعات طولانی بر روی ۳۸۳ مجرمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه‌گیری نمود که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد. وی بر اساس این آزمایش‌ها فرضیه «جانی» را ارائه داد. بررسی‌هایی که به منظور تأیید نظریه لمبرزو ارائه شد مربوط به دوقلوهای یک تخمکی بود. طبق بررسی‌های متعدد مشخص گردید که دوقلوهای یک تخمکی دارای شباهت‌های رفتاری بسیاری می‌باشند (۶۷/۳)، در حالی که در دوقلوهای دوتخمکی این میزان بسیار کمتر بوده است. (۳۲/۱۷)

۲. عوامل درونی: رافائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه می باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روان شناسی جنایی است. از جمله رسالت های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی شان است. در مطالعه ای که جرم شناسان دانمارکی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ۷۵ درصد مجرمان ۱۸ تا ۲۵ سال دارای بیماری روانی بودند. آنان همچنین دریافتند که ۷۹ درصد مجرمان به بیماری ها و اختلالات روانی از قبیل نوروز، سایکوز و روان پریشی مبتلا هستند. بر اساس دیدگاه روانکاو فروید، خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند؛ زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل، توقف حاصل شود، این امر سبب بروز اختلال ها و واکنش های ضداجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. بر طبق دیدگاه روان شناسان، در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این اندیشمندان مجازات افرادی که به علل اختلالات روانی مرتکب بزه می شوند نه تنها مثرتر نیست، بلکه آنان را به سوی جرایمی تازه نیز سوق می دهد.

۳. عوامل اجتماعی: برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم تلقی نمودند. به نظر این دانشمندان، جرم پدیده ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می گردد. دکتر لاکاسانی (۱۸۴۳-۱۹۲۴م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی نموده است. به نظر این دانشمند، همان گونه که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می شود. از نظر دکتر لاکاسانی، منشأ پدیده جرم تنها عوامل زیستی - روانی است. مارکی نیز پدیده جرم را ناشی از وضعیت ناهنجار اقتصادی می دانست. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده آل معرفی می کرد که طبق نظر آنان جرم زاییده نظام سرمایه داری است. بنابر نظر محققان جرم شناسی، در بروز پدیده جرم عوامل پیچیده زیستی - روانی - اجتماعی دخالت دارند

پیشینه:

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) به موضوع هدف شناسایی موانع قانون گریزی و قانون شکنی و ارائه راهکارهای مقابله با آن پرداخته اند. جامعه آماری این تحقیق، متخلفان قوانین راهنمایی و رانندگی و مجرمان در استان مازندران بوده است. حجم نمونه ۷۵۰ نفر بوده است و نمونه ها به روش نمونه گیری تصادفی به دست آمده است و از گروه اول ۲۳۰ نفر و از گروه دوم ۵۲۰ نفر برای بررسی انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده های این پژوهش، مصاحبه و پرسشنامه بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که بین ویژگی های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی آن ها از قوانین، ضعف و خلاء قوانین، بی هنجاری، مشکلات قانون گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

حبیب زاده ملکی و قاسمی (۱۳۸۸) تأثیر رسانه های صوتی و تصویری را بر بزهکاری نوجوانان، با نمونه ای متشکل از ۱۷۰ نوجوان بزهکار (با تشخیص دادگاه) و ۲۶۰ نوجوان غیر بزهکار بررسی کرده اند. یافته ها نشان داده است استفاده بیش از ۵ ساعت از تلویزیون، در گروه نوجوانان غیر بزهکار، ۲۱/۵ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار، ۳۳ درصد است ($P < 0.01$). همچنین استفاده از اینترنت در

گروه نوجوانان غیر بزهکار ۳۹/۶ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار ۶۷/۶ درصد است ($P < 0.01$). برخی از نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین میزان استفاده نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار از ماهواره، تفاوت معناداری وجود ندارد اما نوجوانان بزهکار به طور معناداری کمتر از نوجوانان غیر بزهکار از اینترنت و به طور معناداری بیشتر از آنان از تلویزیون استفاده می کنند.

تنکابنی (۱۳۸۹) در پی پاسخ این پرسش بوده است که با توجه به اهمیت قانون و نظم در آرای دانشمندان حوزه علوم اجتماعی و مدیریت و اداره امور، وضعیت قانون مداری و پیشینه آن در نظام‌های اداری دوره قاجار چگونه بوده است؟ در این پژوهش، محقق با بهره‌گیری از روش ساختمندگرا - که کنش و ساختار را به صورت توأمان مداخله‌گر در تبیین علمی پدیده‌های اجتماعی می‌شمارد - به پرسش یاد شده پرداخته شده است. در این پژوهش چنین آمده است که نظم و قاعده‌ورزی، به مثابه یکی از ارکان امور مدیریت و سازمان، در اصل، مولود و محصول «قانون» به عنوان مهم‌ترین محک سنجش امور و پدیده‌های جاری جوامع و قانون باوری است. در جوامع اروپایی، وجود قوانین و رویه‌های حقوقی حتی در دوره‌های تاریخی حاکمیت سلطنت مطلقه، سبب پدید آمدن و غلبه روح قانون مداری در اکثر جنبه‌های زندگی و همچنین در عرصه مطالعات و نظریه‌های علمی در حوزه‌های گوناگون و از جمله علوم اجتماعی و مدیریت شده است؛ حال آن‌که در ایران، به دلیل وجود حکومت‌های استبدادی و خودکامه پادشاهی و فقدان قانون، همواره روحیه و عادت قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی به ویژه در اداره عمومی و کارکرد نظام دیوان سالاری، وجه غالب امور جاری جامعه شده است. این روحیه در دوره قاجار و پس از آن تداوم و تشدید یافت و حتی پدیده انقلاب مشروطیت هم قادر به تحول بنیادین در آن نشد.

صفاری و صابری (۱۳۹۳) در مقاله خود نشان داده‌اند آن‌چه می‌تواند مجوزی برای اعمال پیشگیری وضعی توسط شهروندان عادی در برابر متجاوزان احتمالی باشد، اعمال حق، نظم اجتماعی یا ترکیبی از این دو است. از سوی دیگر، همین برقراری نظم اجتماعی و اعمال حق متقابل ایجاب می‌کند که اقدامات پیشگیرانه شهروندان در مقابل تعرضات نا حق محدود به ضوابط خاصی باشد. در غیر این صورت، دفاع از حق یا اقدامات پیشگیرانه در برابر بزهکاران احتمالی، مستمسکی برای وقوع تعرضات نا حق خواهد شد.

میرخلیلی و همکاران (۱۳۹۳) بسترهای اعمال قوانین جزایی را مطالعه کرده‌اند و نشان داده‌اند که بر پایه اصول حاکم حقوق کیفری، اصل کلی بر آن است که در قلمرو یک کشور دادگاه‌های آن کشور صرفاً قوانین جزایی خود را اعمال کنند؛ در حالی که در حقوق خصوصی این امکان که دادگاه‌های یک کشور قوانین کشور دیگری را اجرا کنند وجود دارد. اصل عدم اعتبار قوانین جزایی دیگر کشورها، برای دادگاه‌های جزایی، اصلی است که به شکل سنتی در روابط کشورها و در عرصه حقوق جزای بین‌الملل وجود داشته است؛ در واقع، کشورهای مختلف اعمال مطلق و بدون استثنای این اصل را از شاخه‌های اقتدار در حاکمیت خود می‌دانند. در عین حال، نیازهای جوامع امروزی سبب شده است کشورهای مختلف، به صورت استثنایی به تبدیل این اصل بپردازند و مواردی چون نهاد انتقال محکومین به حبس و نیابت قضایی بین‌المللی را بپذیرند.

رضایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای بی‌انضباطی و قانون‌گریزی در ایران را بررسی کرده است. وی کوشش کرده است تا پس از ذکر کاستی‌های قانونی، رویکرد تازه‌ای به مسأله قانون پیشنهاد نماید. وی استدلال نموده است که باید مسأله قانون در کشور از منظری وسیع‌تر یا در چارچوبی گسترده‌تر مطرح شود که در آن، حاکمیت قانون و نه پیروی از قانون در مرکز توجه قرار گیرد. تکیه بر حاکمیت قانون سودمندی‌هایی دارد: ۱. این مفهوم بررسی امر قانونی را با استفاده از شاخص‌های ملموس ممکن می‌سازد. ۲. شاخصی است که در پروژه‌های گوناگون بین‌المللی برای سنجش وضعیت قانون در کشورهای مختلف جهان استفاده می‌شود. ۳. نگاهی به شاخص‌های برآورد حاکمیت قانون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این شاخص به هیچ یک از ترازهای فردی یا ساختاری فروکاسته نشده است. از این رو، کوشش شد با تکیه بر داده‌های سنجش‌های بین‌المللی، تصویری جامع‌تر از وضعیت حاکمیت قانون ارائه شود. ۴. در این نگاه، همه مؤلفه‌های درگیر در مسأله قانون و سهم آن‌ها روشن است.

مسعودنیا (۱۳۹۳) در مقاله خود، تفاوت بین رانندگان قانونمند و غیرقانونمند موتورسیکلت را در زمینه هنجار تقابل بررسی کرده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مقیاس هنجار تقابل (NRS) بوده است. تفاوت معناداری میان استفاده‌کنندگان قانون‌گریز موتورسیکلت و استفاده‌کنندگان قانونمند موتورسیکلت از نظر هنجار تقابل اجتماعی به طور کلی ($p > 0.01$) و مؤلفه‌های آن یعنی تقابل منفی ($0.01/p$) باور به تقابل ($0.01/p >$) و تقابل مثبت ($0.01/p >$) وجود داشت. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه با روش سلسله مراتبی

نشان داد که متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (مرحله اول) ۹/۳ الی ۱۲/۴ درصد و مؤلفه‌های هنجار تقابل اجتماعی (مرحله دوم)، بین ۱۳/۷ تا ۱۸/۲ درصد از واریانس متغیر ملاک قانون‌گریزی یا قانونمندی در استفاده از موتورسیکلت را تبیین می‌کنند. هنجار تقابل اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نقش مهمی در کاهش و پیشگیری از تمایل استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت در شهر یزد به ارتکاب قانون‌گریزی دارد.

زوت وله- تروان و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تشکیل خانواده و رفتار مجرمانه را بررسی قرار کرده‌اند. در این مطالعه اثرات تشکیل خانواده بر اعمال مجرمانه ۵۴۰ زن و مرد با رفتارهای مجرمانه و پرخطر در هلند مطالعه شده است. تحلیل داده‌ها در مورد مردان نشان داد که ازدواج باعث دوری آن‌ها از جرائم جدی می‌شود. مردان همچنین با پدر شدن و داشتن نخستین فرزند از جرائم بیشتر دوری می‌جویند. خانواده‌های با انسجام کامل بیشتر از جرائم دوری می‌جویند. زنان با الگوی رفتاری مجرمانه، به شکل معناداری تحت تأثیر مثبت وضعیت تأهل و مادر شدن - برای دوری جستن از رفتارهای مجرمانه - قرار نمی‌گیرند^۱

پرات در مقاله‌ای نظریه «جریان زندگی خودکنترلی رفتار مجرمانه» را ارائه کرده است. وی در این مقاله بر آن است تا نظریه‌های ظاهراً متضاد پیرامون رفتار مجرمانه را به هم پیوند دهد؛ بدین ترتیب که: الف - خودکنترلی به عنوان فرایندی پویا در معرض تغییرات قابل ملاحظه موقعیتی در گذر زمان دیده شود. ب - خودکنترلی به عنوان علتی مهم برای انتخاب انواع رخدادهای مهم زندگی (مثبت و منفی) دیده شود که به سهم خود، فرد منحرف و هنجارگریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد^۲

مرور مطالعات در مورد قانون‌گریزی نشان می‌دهد که این مطالعات در سه دسته قرار می‌گیرند: دسته‌ای از مطالعات به جنبه‌های حقوقی و بعضاً تاریخی قانون، متون قانونی و قانون‌مداری پرداخته‌اند. دسته دوم از منظر روان‌شناختی و ابعاد فردی و شخصیتی به مطالعه قانون‌گریزی توجه نموده‌اند و دسته دیگر، مطالعات اجتماعی هستند که ویژگی‌های کلان‌تر اجتماعی را بررسی کرده‌اند. برخی از این مطالعات در کنار ویژگی‌های ساختاری و کلان، ابعاد فردی نیز توجه کرده‌اند. در این زمینه، پژوهشی در جامعه مورد مطالعه انجام نشده است و تنها در پژوهشی، میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) و ندالیمس را در بین دانش‌آموزان یاسوجی بررسی نموده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از نظر هدف کاربردی از نظر روش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد با توجه به موضوع پژوهش که بررسی رابطه جامعه‌پذیری و قانون‌مداری و نقش آن در کاهش جرائم می‌باشد. در واقع به دنبال روابط متغیرها می‌باشد. چون به ارزیابی شرایط کار، موقعیت پدیده، روش‌های کار، عقاید و اطلاعات جمعیت‌شناسانه پرداخته‌اند. پژوهش به صورت توصیفی می‌باشد جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان دلفان برابر با ۱۳۱۲ نفر می‌باشد که در سال ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل هستند که بر طبق آمار بدست آمده از معاونت آموزشی انتخاب شده‌اند تعداد نمونه براساس جدول کرجسی- مورگان (تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه) صورت گرفته که تعداد ۲۹۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای بر حسب جنسیت انتخاب خواهند شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (نمودار، فراوانی، درصد فراوانی)، آمار استنباطی (آزمون کولموگروف اسمیرنوف، آزمون T دو گروه مستقل، ماتریس همبستگی و آزمون رگرسیون) استفاده شد. در این تحقیق از سه پرسشنامه استفاده شده است:

الف - پرسشنامه جامعه‌پذیری سازمانی بر پایه مدل تائورمینا در سال (۱۹۹۴)

پرسشنامه جامعه‌پذیری سازمانی بر پایه مدل تائورمینا در سال (۱۹۹۴) توسط بیگیلاردی و همکاران (۲۰۰۵) به منظور سنجش جامعه‌پذیری سازمانی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال و شامل ۴ مولفه دریافت آموزش، تفاهم، حمایت کارکنان و

¹ Zoutewelle & et al., 2014.

² Pratt, 2016

چشم انداز از آینده سازمان می باشد و بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت با سوالاتی مانند (آموزش هایی که در این سازمان برایم فراهم شده مرا قادر ساخته تا کارم را به نحو احسن انجام دهم.) به سنجش جامعه پذیری سازمانی می پردازد.

ب- پرسشنامه قانون مداری یی یسن چن (۲۰۰۴) :

ابزار گردآوری داده ها برای سنجش متغیر قانون مداری یی یسن چن (۲۰۰۴) بود. برای سنجش قانون مداری در دانشجویان از پرسشنامه ۱۵ سوالی با طیف ۵ گزینه ای لیکرت استفاده شده است .

ج- پرسشنامه کاهش جرائم :

پرسشنامه مقایسه عوامل محیطی موثر بر ارتکاب جرم، پرسشنامه ای محقق ساخته می باشد. این مقیاس دارای ۲۲ گویه و ۷ مولفه می باشد و با یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) که هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۵ است و با سوالاتی مانند: (به نظر من در این جایی که ما زندگی می کنیم شاهد شرارت و جرم هستیم.) مقایسه عوامل محیطی موثر بر ارتکاب جرم را می سنجد.

یافته ها

فرضیه اصلی : بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی فرضیه اصلی

متغیرها	شاخص های آماری	تعداد	ضریب همبستگی	میزان خطا (α)	سطح معناداری
کاهش جرائم	جامعه پذیری	۲۹۸	-۰/۷۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	قانون مداری	۲۹۸	-۰/۵۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰

* $P < 0.05$

باتوجه به جدول ۱ چون مقدار سطح مولفه های ($Sig=0.000$) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ بنابراین رابطه ها بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده جامعه پذیری (-۰/۷۷) ، قانون مداری (-۰/۵۵) می باشد بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش جامعه پذیری ، قانون مداری ، کاهش جرائم را دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس.

فرضیه اول : میزان جامعه پذیری در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

جدول ۲: آزمون t گروه های مستقل فرضیه اول

شاخص	افراد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	T بدست آمده	درجه آزادی	sig
جامعه پذیری	پسر	۱۲۸	۵۷/۰۲	۱۵/۴۷	۲۳/۷۶	۱/۲۴	۲۹۶	۰/۰۰
	دختر	۱۷۰	۶۰/۶۰	۱۲/۰۰				

با توجه به جدول ۲ میانگین محاسبه شده جامعه پذیری در دختران برابر است با (۶۰/۶۰) که از میانگین پسران (۵۷/۰۲) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده (۱/۲۴) در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) و درجه آزادی (۲۹۶) از t بحرانی (۱/۹۶) کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان جامعه پذیری دختران بالاتر از پسران است.

فرضیه دوم : میزان قانون مداری در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

جدول ۳: آزمون t گروه های مستقل فرضیه دوم

شاخص	افراد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	T بدست آمده	درجه آزادی	sig
قانون مداری	پسر	۱۲۸	۹۴/۵۳	۹/۸۰	۶/۰۵	۱/۳۶	۲۹۶	۰/۰۰
	دختر	۱۷۰	۹۴/۹۴	۹/۱۹				

با توجه به جدول ۳ میانگین محاسبه شده قانون مداری در دختران برابر است با (۹۴/۹۴) که از میانگین پسران (۹۴/۵۳) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده (۱/۳۶) در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) و درجه آزادی (۲۹۶) از t بحرانی (۱/۹۶) کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان قانون مداری دختران بالاتر از پسران است.

فرضیه سوم : میزان کاهش جرائم در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

جدول ۴: آزمون t گروه های مستقل فرضیه سوم

شاخص	افراد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	T بدست آمده	درجه آزادی	sig
کاهش جرائم	پسر	۱۲۸	۶۳/۸۷	۶/۵۱	۱۱/۱۵	۱/۰۶	۲۹۶	۰/۰۰
	دختر	۱۷۰	۶۳/۸۲	۶/۴۶				

با توجه به جدول ۴ میانگین محاسبه شده کاهش جرایم در پسران برابر است با (۶۳/۸۷) که از میانگین دختران (۶۳/۸۲) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده (۱/۰۶) در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۵) و درجه آزادی (۲۹۶) از t بحرانی (۱/۹۶) کوچکتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان کاهش جرایم پسران بالاتر از دختران است.

فرضیه چهارم: بین مولفه های جامعه پذیری و کاهش جرائم دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی فرضیه چهارم

متغیرها	شاخص های آماری	تعداد	ضریب همبستگی	میزان خطا (α)	سطح معناداری
کاهش جرائم	جامعه پذیری	۲۹۸	- ۰/۳۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	احساس تعهد	۲۹۸	- ۰/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	سخت کوشی	۲۹۸	- ۰/۲۹	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	جدیت	۲۹۸	- ۰/۲۴	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	قابلیت اعتماد	۲۹۸	- ۰/۴۷	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	رفتار مبتنی بر نظم و مقررات	۲۹۸	- ۰/۳۲	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	منطق و احساس مسئولیت	۲۹۸	- ۰/۴۱	۰/۰۵	۰/۰۰۰

$P < ۰/۰۵^*$

با توجه به جدول ۵ چون مقدار سطح مولفه های (Sig=۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ بنابراین رابطه ها بین مولفه های جامعه پذیری و کاهش جرائم از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده مولفه های وظیفه شناسی (-۰/۳۷)، احساس تعهد (-۰/۲۸)، سخت کوشی (-۰/۲۹)، جدیت (-۰/۲۴)، قابلیت اعتماد (-۰/۴۷)، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات (-۰/۳۲)، منطق و احساس مسئولیت (-۰/۴۱) می باشد بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی، احساس تعهد، سخت کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات، منطق و احساس مسئولیت) و کاهش جرائم دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی، احساس تعهد، سخت کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات، منطق و احساس مسئولیت)، جرائم دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس.

فرضیه پنجم: بین مولفه های قانون مداری و کاهش جرائم دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۶: ماتریس همبستگی فرضیه پنجم

متغیرها	شاخص های آماری	تعداد	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
کاهش جرائم	رضایت	۲۹۸	-۰/۳۶	۰/۰۵	۰/۰۰۰
قانون مداری	خلق مثبت	۲۹۸	-۰/۳۹	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	سلامتی	۲۹۸	-۰/۴۱	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	کارآمدی	۲۹۸	-۰/۴۹	۰/۰۵	۰/۰۰۰
	عزت نفس	۲۹۸	-۰/۴۴	۰/۰۵	۰/۰۰۰

$P < 0.05^*$

باتوجه به جدول ۶ چون مقدار سطح مولفه های (Sig=۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ بنابراین رابطه ها بین مولفه های قانون مداری و کاهش جرائم از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده مولفه های رضایت (-۰/۳۶)، خلق مثبت (-۰/۳۹)، سلامتی (-۰/۴۱)، کارآمدی (-۰/۴۹)، عزت نفس (-۰/۴۴) می باشد بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین مولفه های قانون مداری (رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی، عزت نفس) و کاهش جرائم دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مولفه های قانون مداری (رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی، عزت نفس)، جرائم دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس.

فرضیه ششم: سهم هر یک از مولفه های جامعه پذیری در پیش بینی جرائم دانشجویان متفاوت است

جدول ۷: مدل خلاصه شده تحلیل رگرسیون فرضیه ششم

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد
۱	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۳۹

باتوجه به جدول ۷ ضریب همبستگی چند گانه معادل ۰/۶۳ ضریب تعیین $R^2 = 0.40$ نشان می دهد که ۴۰ درصد از تغییرات (واریانس) جرائم دانشجویان از طریق هفت مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی، احساس تعهد، سخت کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات، منطق و احساس مسئولیت) قابل پیش بینی است.

جدول ۸: تحلیل واریانس رگرسیون فرضیه ششم

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	sig
رگرسیون	۲۷۱/۰۵۳	۷	۳۸/۷۲۲	۱۰/۴۰	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۲۱۸۱/۸۴۶	۲۹۰	۴۲/۰۰۶		
کل	۱۲۴۵۲/۸۹۹	۲۹۷			

باتوجه به جدول ۸ میزان آماره F برابر ۱۰/۴۰ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک تر از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۱ است لذا رابطه معنی دار بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک با ۹۹ درصد اطمینان تائید می شود

جدول ۹: خلاصه ضرایب رگرسیونی فرضیه ششم

متغیر	ضریب	استاندارد خطای	ضریب استاندارد	t	مقدار معناداری
	نشده	استاندارد	بتا		نرمال
عرض از مبدا	۶۴/۶۰	۲/۰۶	-	۳۱/۳۰	۰/۰۰۰
وظیفه شناسی	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۲۲	۱/۱۴	۰/۰۰۰
احساس تعهد	۰/۳۴	۰/۷۶	۰/۱۰	۱/۴۵	۰/۰۰۰
سخت کوشی	۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۲۱	۱/۹۷	۰/۰۰۰
جدیت	۰/۱۷	۰/۴۶	۰/۱۵	۱/۳۷	۰/۰۰۰
قابلیت اعتماد	۰/۹۰	۰/۵۸	۰/۲۵	۱/۵۴	۰/۰۰۰
رفتار مبتنی بر نظم و مقررات	۰/۳۳	۰/۳۹	۰/۱۳	۱/۸۴	۰/۰۰۰
منطق و احساس مسئولیت	۰/۲۱	۰/۸۱	۰/۳۱	۱/۳۷	۰/۰۰۰

جدول ۹ ضرایب رگرسیونی را نشان می دهد که بیانگر سهم نسبی هریک از مؤلفه های جامعه پذیری در پیش بینی کاهش جرایم در دانشجویان است. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه ی منطق و احساس مسئولیت با میزان بتا ($t=1/37, P<0/05, \beta=0/31$)، مؤلفه ی احساس تعهد با میزان بتا ($t=1/45, P<0/05, \beta=0/10$) به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم در پیش بینی در کاهش جرائم دانشجویان را دارا می باشند.

فرضیه هفتم: سهم هر یک از مولفه های قانون مندی در پیش بینی کاهش جرائم دانشجویان متفاوت است

جدول ۱۰: مدل خلاصه شده تحلیل رگرسیون فرضیه هفتم

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد
۱	۰/۸۴	۰/۷۰	۰/۷۰

باتوجه به جدول ۱۰ ضریب همبستگی چند گانه معادل ۰/۸۴ ضریب تعیین $R^2 = 0.70$ نشان می دهد که ۷۰ درصد از تغییرات (واریانس) کاهش جرائم دانشجویان از طریق پنجم مولفه های قانون مندی (رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی، عزت نفس) قابل پیش بینی است.

جدول ۱۱: تحلیل واریانس رگرسیون فرضیه هفتم

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	sig
رگرسیون	۸۸۰۲/۵۶۹	۵	۱۷۶۰/۵۱۴	۶/۸۲	۰/۰۰۰
باقی مانده	۳۶۵۰/۳۳۰	۲۹۲	۱۲/۵۰۱		
کل	۱۲۴۵۲/۸۹۹	۲۹۷			

باتوجه به جدول ۱۱ میزان آماره F برابر ۶/۸۲ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک تر از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۱ است لذا رابطه معنی دار بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می شود

جدول ۱۲: خلاصه ضرایب رگرسیونی فرضیه هفتم

متغیر	ضریب نشده	استاندارد خطای	ضریب استاندارد	t	مقدار معناداری نرمال
عرض از مبدا	۱۳/۰۲	۲/۱۴	-	۶/۰۷	۰/۰۰۰
رضایت	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۲۸	۳/۱۴	۰/۰۰۰
خلق مثبت	۱/۴۳	۰/۰۹	۰/۲۱	۳/۶۸	۰/۰۰۰
سلامتی	۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۱۷	۳/۷۵	۰/۰۰۰
کارآمدی	۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۲۶	۳/۵۸	۰/۰۰۰
عزت نفس	۰/۳۵	۰/۱۷	۰/۱۹	۳/۰۹	۰/۰۰۰

جدول ۱۲ ضرایب رگرسیونی را نشان می دهد که بیانگر سهم نسبی هریک از مؤلفه های قانون مندی در پیش بینی جرایم در دانشجویان است. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه ی رضایت با میزان بتا ($\beta = 0.28$ ، $t = 3.14$ ، $P < 0.05$)، مؤلفه ی سلامتی با میزان بتا ($\beta = 0.21$ ، $t = 3.68$ ، $P < 0.05$)، مؤلفه ی سلامتی با میزان بتا ($\beta = 0.17$ ، $t = 3.75$ ، $P < 0.05$)، مؤلفه ی کارآمدی با میزان بتا ($\beta = 0.26$ ، $t = 3.58$ ، $P < 0.05$)، مؤلفه ی عزت نفس با میزان بتا ($\beta = 0.19$ ، $t = 3.09$ ، $P < 0.05$) به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم در پیش بینی کاهش جرائم در دانشجویان را دارا می باشند.

نتیجه گیری :

در فرضیه اصلی : باتوجه به جدول ۱ چون مقدار سطح مولفه های ($Sig=0/000$) کوچکتر از سطح خطای $0/05$ بنابراین رابطه ها بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده جامعه پذیری ($0/77-$) ، قانون مداری ($0/55-$) می باشد بنابراین با 95% اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین جامعه پذیری و قانون مداری و نقش آن در کاهش جرائم در دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش جامعه پذیری ، قانون مداری ، کاهش جرایم را دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس. در فرضیه اول : با توجه به جدول ۲ میانگین محاسبه شده جامعه پذیری در دختران برابر است با ($60/60$) که از میانگین پسران ($57/02$) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده ($1/24$) در سطح اطمینان 95 درصد ($0/05$) و درجه آزادی (296) از t بحرانی ($1/96$) کوچکتر است ، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان جامعه پذیری دختران بالاتر از پسران است. در فرضیه دوم : با توجه به جدول ۳ میانگین محاسبه شده قانون مداری در دختران برابر است با ($94/94$) که از میانگین پسران ($94/53$) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده ($1/36$) در سطح اطمینان 95 درصد ($0/05$) و درجه آزادی (296) از t بحرانی ($1/96$) کوچکتر است ، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان قانون مداری دختران بالاتر از پسران است. در فرضیه سوم : با توجه به جدول ۴ میانگین محاسبه شده کاهش جرایم در پسران برابر است با ($63/87$) که از میانگین دختران ($63/82$) بیشتر است و با توجه به t محاسبه شده ($1/06$) در سطح اطمینان 95 درصد ($0/05$) و درجه آزادی (296) از t بحرانی ($1/96$) کوچکتر است ، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتیجه می گیریم که میزان کاهش جرایم پسران بالاتر از دختران است. در فرضیه چهارم : باتوجه به جدول ۵ چون مقدار سطح مولفه های ($Sig=0/000$) کوچکتر از سطح خطای $0/05$ بنابراین رابطه ها بین مولفه های جامعه پذیری و کاهش جرائم از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده مولفه های وظیفه شناسی ($0/37-$) ، احساس تعهد ($0/28-$) ، سخت کوشی ($0/29-$) ، جدیت ($0/24-$) ، قابلیت اعتماد ($0/47-$) ، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات ($0/32-$) ، منطق و احساس مسئولیت ($0/41-$) می باشد بنابراین با 95% اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی ، احساس تعهد ، سخت کوشی ، جدیت ، قابلیت اعتماد ، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات ، منطق و احساس مسئولیت) و کاهش جرائم دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی ، احساس تعهد ، سخت کوشی ، جدیت ، قابلیت اعتماد ، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات ، منطق و احساس مسئولیت) ، جرائم دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس. در فرضیه پنجم : باتوجه به جدول ۶ چون مقدار سطح مولفه های ($Sig=0/000$) کوچکتر از سطح خطای $0/05$ بنابراین رابطه ها بین مولفه های قانون مداری و کاهش جرائم از نظر آماری معنی دار است و از آنجائیکه ضریب همبستگی محاسبه شده مولفه های رضایت ($0/36-$) ، خلق مثبت ($0/39-$) ، سلامتی ($0/41-$) ، کارآمدی ($0/49-$) ، عزت نفس ($0/44-$) می باشد بنابراین با 95% اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین مولفه های قانون مداری (رضایت، خلق، عزت نفس، سلامتی، کارآمدی ، عزت نفس) و کاهش جرائم دانشجویان رابطه مستقیم و منفی وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش مولفه های قانون مداری (رضایت، خلق، عزت نفس، سلامتی، کارآمدی ، عزت نفس) ، جرائم دانشجویان نیز کاهش می یابد و بالعکس. در فرضیه ششم : باتوجه به جدول ۷ ضریب همبستگی چند گانه معادل $0/63$ ضریب تعیین $R^2 = 0/40$ نشان می دهد که 40% از تغییرات (واریانس) جرائم دانشجویان از طریق هفت مولفه های جامعه پذیری (وظیفه شناسی ، احساس تعهد ، سخت کوشی ، جدیت ، قابلیت اعتماد ، رفتار مبتنی بر نظم و مقررات ، منطق و احساس مسئولیت) قابل پیش بینی است. جدول ۹ ضرایب رگرسیونی را نشان می دهد که بیانگر سهم نسبی هریک از مؤلفه های جامعه پذیری در پیش بینی کاهش جرایم در دانشجویان است. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه ی منطق و احساس مسئولیت با میزان بتا ($\beta=0/31$) ، مؤلفه ی احساس تعهد با میزان بتا ($\beta=0/10$) ، به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم در پیش بینی در کاهش جرائم دانشجویان را دارا می باشند. در فرضیه هفتم : باتوجه به جدول ۱۰ ضریب همبستگی چند گانه معادل $0/84$ ضریب تعیین $R^2 = 0/70$ نشان می دهد که 70% از تغییرات (واریانس) کاهش جرائم دانشجویان از طریق پنج مولفه های قانون مداری (رضایت، خلق، عزت نفس، سلامتی، کارآمدی ، عزت نفس) قابل پیش بینی است. در فرضیه هشتم : جدول ۱۲ ضرایب رگرسیونی را نشان می دهد که بیانگر سهم نسبی هریک از مؤلفه های قانون مداری در پیش بینی جرایم در دانشجویان است. نتایج حاکی از آن است که

مؤلفه ی رضایت با میزان بتا ($P < 0/05$ ، $t = 3/14$ ، $\beta = 0/28$)، مؤلفه ی سلامتی با میزان بتا ($P < 0/05$ ، $t = 3/75$ ، $\beta = 0/17$) به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم در پیش بینی کاهش جرائم در دانشجویان را دارا می باشند.

پیشنهادهات :

۱- افزایش احساس تعلق اجتماعی: از مهم ترین روش های کاهش جرایم، تلاش در جهت افزایش احساس تعلق اجتماعی است. به همین منظور باید نسبت به افزایش امید و اعتماد اجتماعی اقدام مجدانه و برنامه ریزی شده انجام داد. زیرا مهم ترین راه افزایش احساس مسئولیت در افراد، کاهش هنجارشکنی و افزایش ارزش گرایی در جامعه و احساس تعلق اجتماعی است

۲- مبارزه با جهل و نادانی: جهل زدایی از مهم ترین اولویت ها در پیشگیری از جرم است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که لزوماً داشتن علم به معنای پیشگیری از جرم نیست؛ همچنان که نتیجه نادانی به طور حتم به جرم ختم نمی شود.

۳- ترویج اخلاق خوب: آنچه که در اسناد و تحقیقات بین المللی مکتوب است و جرم شناسان نیز به آن تأکید داشته اند، تصریح روشن به این نکته است که بین جرم و وجود نابهنجاری های اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی، رابطه ای مستقیم وجود دارد.

۳- رفع نیازهای اساسی: انسان، موجودی با نیازهای جسمی، جنسی و روانی است که زندگی او و تداوم آن به ارضای این نیازها بستگی دارد و کیفیت و کمیت ارضای این نیازها نیز در شکل گیری شخصیت متعادل، سالم و بهنجار یا برعکس، شخصیت نامتعادل، منحرف و نابهنجار نقش بسیار مهمی را ایفا می کند.

۴- حفظ کرامت و منزلت انسانی: یکی از مهم ترین نیازهای اساسی انسان، حفظ کرامت، حرمت، آبرو و مقام او در جامعه است. انسان به سبب همین نیاز از انحراف و کجروی بیم دارد و به آن نزدیک نمی شود. البته میزان توجه هر فرد به این نیاز و چگونگی ارضای آن به نوع تربیت خانوادگی و فرهنگ و نظام اجتماعی حاکم بر او نیز بستگی دارد و چه بسا انسان به علل گوناگون از این نیاز چشم پوشی می کند و یا با توجیه نادرست، خود را فریب می دهد.

۵- قویت باورهای دینی: دین داری، عامل مهمی در خشکاندن چشمه های فساد است. در مقابل، ریشه هم جرایم را باید در عدم یا ضعف دین داری حقیقی و درست افراد جست و جو کرد. بسیاری از کارشناسان مسائل اجتماعی و جرم شناسان اذعان می کنند که کنار گذاشتن باورها و اعتقادات دینی و گرایش های مذهبی و عدم التزام به احکام دینی عامل بسیاری از نابهنجاری ها می باشد.

۶- اصلاح ارتباطات اجتماعی: در مباحث مهم مطرح در نظریه های جامعه شناختی و روان شناختی اجتماعی بر نقش شبکه های روابط اجتماعی، خانواده، گروه ها، هم سالان و الگوهای اجتماعی در رشد پدیده بزهکاری تأکید شده است.

۷- مبارزه جامعه با پدیده های ضد اجتماعی: پدیده های ضد اجتماعی، همه ساله خسارات جبران ناپذیری از جهات مختلف بر پیکر جامعه وارد می سازند و باعث تأسیس و گسترش دادگستری ها، پلیس و سایر نهادهای وابسته به قوه قضاییه و تأمین مخارج آنها می شود. با این حال، مبارزه با آنها اجتناب ناپذیر است. در مورد میزان جرایم هر کشور آمارهایی انتشار یافته است. اگرچه این آمارها ممکن است از دقت کافی برخوردار نباشند، اما در هر حال تا حدی میزان جرایم را تعیین می کنند.

منابع :

- ۱- مسعودنیا، ا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین هنجار تقابلی اجتماعی و قانون‌گریزی استفاده‌کنندگان موتورسیکلت در شهر یزد»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، ش ۲، ص ۱۳۹ - ۱۵۸.
- ۲- رضایی، م. (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۳، ص ۴۷-۶۹.
- ۳- رضایی، م. (۱۳۹۳). «بی‌انضباطی و قانون‌گریزی: در جست و جوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش ۱۲، ص ۷-۴۰.
- ی- میرخلیلی، م؛ رحمانی نعیم‌آبادی، ع. و سالاری‌فر، ا. (۱۳۹۳). «بسترهای توسعه اعمال قوانین جزایی در مکان»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ص ۱۸۱ - ۲۰۶.
- ۵- صفاری، ع. و صابری، ر. (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی جرم شناختی پیشگیری وضعی از جرم»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ص ۱۴۵-۱۸۰.
- ۶- تنکابنی، ح. (۱۳۸۹). «منزلت «قانون» و «نظم» در نظریه‌های علوم اجتماعی و مدیریت و پیشینه آن در اداره امور ایران عصر قاجار»، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال اول، ش ۲، ص ۳۵ - ۴۴.
- ۷- حبیب‌زاده ملکی، اص. و قاسمی، م. (۱۳۸۸). «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی- تصویری و بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۲(۵۸)، ص ۹۵-۱۲۰.
- ۸- دانایی‌فرد، ح؛ آذر، ع. و صالحی، ع. (۱۳۸۸). «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۴۴، ص ۷-۶۵.

Pratt, T. C. (2016) "A Self-Control/Life-Course Theory of Criminal Behavior", *European Journal of Criminology*, 13(1):129-146.

Zoutewelle-Terovan¹, M. Van Der Geest¹, V. Aart, L. Bijleveld, C. (2014) "Criminality and Family Formation: Effects of Marriage and Parenthood on Criminal Behavior for Men and Women", *Crime & Delinquency*, 60(8): 1209-1234.